

# نقش ترکیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی شوروی

*Turkey in Post- Soviet Central Asia*

کتاب «نقش ترکیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی شوروی» به قلم گارت ام. وینرو<sup>۱</sup> متشکل از هشت بخش در ۵۳ صفحه از طرف مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل<sup>۲</sup> منتشر گردیده است. ویرایش آن توسط ادموند هرزیک<sup>۳</sup> آلمانی محقق و صاحب‌نظر معروف مسائل آسیای مرکزی و مسلط به زبان فارسی انجام گرفته است. مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل که دارای شخصیت حقوقی مستقل است مطالعه مسائل بین‌الملل را عهده داراست و به‌نظرات خودش تأکید و پافشاری ندارد. کتاب «نقش ترکیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی شوروی» یکی از نتایج مطالعاتی است که مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل عهده‌دار مطالعه (پروژه حوزه جنوبی شوروی)<sup>۴</sup> می‌باشد. عناوین بخشهای کتاب به ترتیب زیر می‌باشند:

۱. مقدمه
۲. زمینه تاریخی
۳. ترکیه و فروپاشی شوروی
۴. ظهور یک «جهان ترک» غول پیکر؟ خط مشی اولین نشست جهانی جامعه ترکها
۵. منافع داخلی و حسن نیت: خط‌مشی دومین نشست جهانی جامعه ترکها
۶. منافع اقتصادی
۷. رقابت و همکاری؟ ترکیه، روسیه و ایران
۸. نتیجه‌گیری

ترکیه علائق استراتژیک مستحکمی با قفقاز، شبه جزیره بالکان، خاورمیانه و جمهوری‌های آسیای مرکزی به‌وجود آورده است. در صورتی که این امر بتواند از حمایت لازم برخوردار شود می‌تواند نقش مثبتی در این مناطق ایفا نماید. ترکیه قادر است از سلطه‌جویی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز پیشگیری نماید. ترکیه وظیفه مهمی همچون امتداد نفوذ ناتو (حوزه امنیتی آمریکا) به آسیای مرکزی و

1. Gareth M. Winrow  
3. Edmund Herzig

2. The Royal Institute of International Affairs  
4. Former Soviet South Project

قفقاز را بجای آورده و در انتقال منابع نفت خزر به بازارهای غرب که یک راه حل مهم در برابر کارتل اوپک به شمار می آید نقش بسیار مهمی را می تواند ایفا کند.

استراتژی واشنگتن در قرن بیست و یکم نه تنها مربوط به امنیت و آسایش آمریکاست بلکه از دیدگاه حفظ موقعیت ابرقدرتی این کشور نیز از اهمیت حیاتی برخوردار خواهد بود. بخاطر موقعیت ویژه ژئواستراتژیک اوراسیا باید انتظار داشت که ترکیه نیز در چارچوب استراتژی آمریکا از جایگاه خاصی برخوردار گردد. اولین علامت و نشانه این مدعا نیز حمایت آمریکا از پروژه لوله نفت خزر - جیحان و پروژه تولید انرژی ترکیه است. کتاب مذکور به لحاظ اینکه ابعاد مختلف سیاست خارجی ترکیه را بررسی می کند و ارتباط مسائل اقتصادی و سیاسی و وابستگی های فرهنگی تاریخی این کشور را با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مطالعه می نماید بسیار خواندنی و باارزش می باشد.

اهمیت نقش ترکیه در آسیای مرکزی و در نتیجه اهمیت تحلیلهای کتاب «نقش ترکیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی شوروی» را از بُعد سیاست خارجی آمریکا در مورد اوراسیا می توان دریافت. از دید آمریکا که ترکیه مجری بسیاری از نظرات آمریکا برای تأمین منافع این کشور است دو هدف استراتژیک مطرح است: اول اینکه نباید آسیای مرکزی و قفقاز را تحت حاکمیت روسیه رها کرد و دوم اینکه باید از بسته شدن راههای انرژی اوراسیا به روی آمریکا و غرب جلوگیری به عمل آورد. به طوری که ملاحظه می شود آمریکا علناً بر استقلال و حاکمیت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و استفاده آزاد این کشورها از منابع انرژی خود تأکید نموده و اعلام کرده که سیاستهای سلطه جویانه روسیه را در قبال منطقه نادیده نخواهد گرفت و بالمآل ترکیه به نیابت آمریکا در تمامی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز حضور همه جانبه دارد و فعال است.

در اینجا قسمتی از بخش هفتم کتاب تحت عنوان «رقابت و همکاری: ترکیه، روسیه و ایران» را ذکر می کنیم:

پاکستان و ایران همراه با روسیه و در بلندمدت چین، همگی (و هریک در زمینه ای) رقبای سیاسی اقتصادی برای ترکیه در آسیای مرکزی هستند؛ به نحوی که به طور مشخص می توان گفت که ایران و روسیه بویژه به عنوان رقیب یا شرکای همکار در منطقه مطرح می باشند. در زمانی که اتحاد شوروی در حال فروپاشی بود بسیاری از مسفران می اندیشیدند که یک بازی بزرگ جدید برای نفوذ در آسیای مرکزی در حال شکل گیری است؛ یادآور بازی بزرگ بین بریتانیا و روسیه که در قرن ۱۹ روی داد. در زمان اخیر، همگی متفق القولند که نقشهای کلیدی از آن ترکیه، ایران، روسیه است؛ همچنین پاکستان، هندوستان، اسرائیل و عربستان سعودی به عنوان بازیگران ذی نفع مطرح می باشند.

پیشنهاد شده است که چین مستعد است و به عنوان حتی رقیب جدی مهمتری تلقی گردد. پس از یک دوره دوستانه و خالی از تنش با غرب تا اواسط ۱۹۹۲. دولت روسیه به رهبری یلتسین اغلب به لحاظ منافع بیشتر خود در

«خارج نزدیک» خودین و متکبر بود. این امر مربوط به موضوع سرنوشت اقلیت روسی قابل توجه که هنوز در جمهوری‌های شوروی مقیم هستند می‌گشت و با عنایت ویژه به قفقاز و آسیای مرکزی، بدون ترس از اسلام سیاسی و رادیکال که می‌توانست در «خارج نزدیک» نشر پیدا نماید و از آنجا به جمعیت مسلمان فدراسیون روسیه تأثیر نماید. مطالبی که برای تحلیل نقش ترکیه در آسیای مرکزی باید مدنظر قرار داد و از اهمیت شایانی برخوردارند از این قرار می‌باشند: ترکیه علت وجودی‌اش «ترک» بودن آن است. این امر مربوط به بیش از پنج قرن است و به آغاز تشکیل امپراتوری عثمانی برمی‌گردد. ترکیه اهداف ملی خود را با اهداف استراتژیک پیوند داده است. به نظر می‌رسد ترکیه به دنبال گسترش ارضی نیست ولی به دنبال گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی است. از آنجا که تفکرات استراتژیک در حال عوض شدن هستند؛ ترکیه اهداف استراتژیک مشخصی را دنبال می‌کند. واضح است ترکیه اهداف تاکتیکی را فدای اهداف استراتژیک نمی‌نماید؛ مرور برگزیده نشان می‌دهد که در این راستا موفق نیز بوده است.

نقش ترکیه بعد از فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی را نمی‌توان جدا از مسائل داخلی این کشور بررسی کرد: روند تحولات داخلی در ترکیه روبه بحرانی شدن نیست؛ بلکه بحرانها موقتی می‌باشند. مشکلات ترکیه زودگذر هستند و مسئله کردها مسئله‌ای نیست که ترکیه نتواند با آن روبه‌رو شود. در رابطه با همسایگان ترکیه باید گفت که ترکیه با سوریه و ارمنستان خصومت و با روسیه و ایران بویژه در مورد حضور در جمهوری آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی رقابت دارد. از طرف دیگر، رقابت قابل قبول گفتگو است. بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، فضای امنیتی جدیدی برای ترکیه به وجود آمد. آشفتگی‌های امنیتی و بی‌ثباتی امروزه دل‌نگرانی مقامات ترکیه را تشکیل می‌دهد. با فروپاشی شوروی، ترکیه دیگر یک کشور حائل در مقابل شوروی محسوب نمی‌گردد؛ لذا موقعیت استراتژیک این کشور تغییر نموده و همراه با این امر، روی آوردن ترکیه به اسرائیل مؤید این معناست. همچنین، مسئله رقابت ایران و ترکیه راجع به خط لوله گاز و نفت در آسیای مرکزی مسئله بسیار مهمی است.

کتاب مزبور بسیار بجا پان ترکیسم ترکیه را جزو لاینفک ژئوپلتیک این کشور نام می‌برد؛ به عبارت دیگر در ویژگی ژئوپلتیک ترکیه عامل انسان و به‌طور ویژه انسان ترک و وابستگی‌های فرهنگی نژادی و خصوصاً زبانی با مردمان آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان مهمترین رکن است. ترکیه چشم به دریای خزر دوخته است. خزر یک منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک به‌شمار می‌آید. ترکیه در پی دستیابی به منافع حاصل از حمل‌ونقل نفت و گاز منطقه دریای خزر از طریق این کشور و بنادر آن (از جمله بندر جیحان) می‌باشد.

در نتیجه‌گیری کتاب آمده است: «پیامدهای فروپاشی اتحاد شوروی بسیار گسترده است. منافع

ترکیه در منطقه دریای سیاه و ظرفیتش برای توسعه علائق و پیوندهایش با جمهوری‌های ترک‌زبان آسیای مرکزی قابل توجه است. در نظر بعضی از محققان، ترکیه توان آن را دارد که در آینده به‌طور جدی به عنوان یک ابرقدرت مطرح گردد. ظواهر این طور نشان می‌دهند که اینگونه افکار و نیات در ذهن سیاستمداران و محافل عمومی ترکیه نضح یافته است. آرزوها و اهداف بزرگ و انتظارات مغرورانه منتج از بی‌خبری گذشته و نبود منفعت در توسعه آسیای مرکزی و قفقاز می‌بایست از طرف مسئولان در آنکارا بعد از اولین گردهمایی ترکها اصلاح گشته مورد تجدیدنظر قرار گیرند.

ضمن جستجو برای یافتن علائق و پیوندهای نزدیک با ترکیه، کشورهای آسیای مرکزی با یک بحران اقتصادی شدید روبه‌رو می‌شوند و در حال حاضر دیگر قادر به انتقال به مسکو نیستند؛ در حالی که قبلاً مشتاق پیوندهای بیشتر با روسیه و همبستگی احزاب داخلی برادر بودند. اگر چه کشورهای آسیای مرکزی هرگز نسبت به هدف سیاسی پان‌ترکیسم اعتقاد نداشتند به‌نظر می‌رسد رهبران ترکیه هدفهای خود را تغییر داده‌اند. تأکید وزارت خارجه حداقل در حال حاضر بر احتیاج برای نهادینه کردن قراردادها و موافقتنامه‌ها بین ترکیه و جمهوری‌های ترک‌زبان آسیای مرکزی بدون برنامه‌ریزی برای بنیان‌گذاری شکلی از اتحاد یا نهاد مشترک‌المنافع می‌باشد.

از طرف دیگر، وزارت‌خانه‌های علوم و فرهنگ فقط در پی تقویت پیوندهای فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی نیستند بلکه همچنین متعهد به کوشش جهت شکل دادن و برجسته نمودن هویت‌های ملی دولتهای ترک آسیای مرکزی و قفقاز هستند. اندیشه همبستگی ترکها یک نیروی مهم مشوق را برای انجمنهای رسمی و اداری در آنکارا باقی می‌گذارد، همچنین برای دیگر سازمانها، دفاتر خصوصی، مؤسسات و احزاب سیاسی.

با توجه به اوضاع فعلی سیاسی ترکیه، پیوند بین یک احساس ناسیونالیستی نوآدی در حال خیزش و درک هویت ترک به معنای اعم که شامل ترکیه از یک طرف و دولتهای ترک از طرف دیگر می‌گردد یک واقعیت است. اگرچه رهبران کشورهای آسیای مرکزی (غیر از تاجیکستان) که ترک‌زبان هستند به یک اندازه به موضوع اهمیت برادری ترکها بها نمی‌دهند موفقیت دومین گردهمایی بین‌المللی «ترکها» می‌بایست رهبران سیاسی ترکیه را در آنکارا دلگرم نموده باشد.

علاوه بر این، اگرچه آنکارا رسماً از برخورد با گروههای پان-ترکیست در آسیای مرکزی اجتناب کرده است برگزاری دو نشست از انجمن مردمان ترک در ترکیه در حضور بالاترین مسئولان دولت ترکیه موضوعی آشکار می‌باشد.

قاسم ملکی